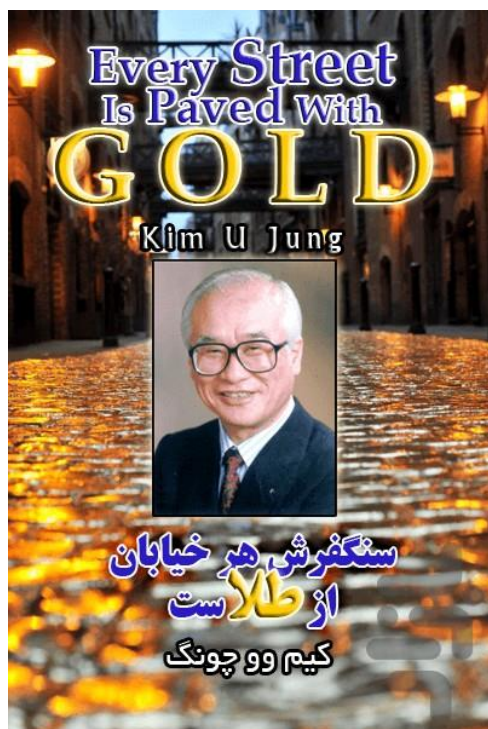


کپسول سنگ فرش هر خیابان از طلاست

کیم وو چونگ (بنیانگذار دوو)

محمد حاجیلی دوجی



کتاب سنگ فرش هر خیابان از طلاست از آقای کیم وو چونگ یکی از بهترین کتاب ها در زمینه ی دانستن ارزش زمان و باورهاست. در این مقاله که خلاصه ای از کتاب می باشد به نکات مهم دانستی های عمومی که برای همه لازم است اشاره میشود. با خواندن این مقاله میتوانید به اصول کلی کتاب پی ببرید و با خواندن خود کتاب به بزرگی و عظمت ذهن نویسنده که بی شک یکی از بزرگترین کارآفرینان جهان محسوب می شود پی خواهید برد و ایده ها و نکاتی که ذکر کرده نیز خیلی برای شما مفید خواهند بود.

آینده از آن کسانی است که در زندگی در زندگی آرزو و هدف دارند. جوان بی آرزو 'جوان نیست'. آینده از آن کسانی است که در زندگی آرزو های بزرگ دارند. زندگی نیازمند هدف است. اهمیت تصمیم گیری درست را به خوبی فرا بگیریم.

برای پیروزی شما تا حد ممکن باید از گزینه های قابل دسترسی و گوناگون بهره مند باشید. محدوده ی انتخاب هر چقدر محدودتر باشد به همان اندازه فرصت تصمیم گیری هم کمتر می شود. گام بعدی این است که نیروی درونی خود را قوی تر و عزم خود را راسخ تر کنید تا بتوانید مسیری درست را انتخاب کنید. با مطالعه باید قوای تصمیم گیری خود را قوی کنید و این علت اصلی تحصیل دانش است.

انتخاب میان نادرست و درست 'پاک و ناپاک' حق از باطل 'نیکی و بدی' سودمند و مضر تنها از راه تحصیل دانش میسر است. کسی نمیتواند برای شما تصمیم بگیرد بلکه شما 'تنها شما هستید که باید برای خود مسیری را برگزینید.

این قابل درک نیست که چطور شخصی میتواند در لحظات با اهمیت و ارزشمند روز استراحت کند. قطعاً نوعی سستی و کسالت در بالندگی و روحیه ی این ملل ایجاد شده و تا حدودی هم به شکل احوال فردی و حتی ملی تظاهر کرده است.

افرادی که فقط در حد رفع تکلیف کار میکنند در اکثر امور ناموفق هستند اما کسانی که تمام تلاش شان این است که زمان را بیهوده از دست ندهند و برای کار حد و مرز قائل نیستند قطعاً کامیاب ترند. یک دانشجوی ترم آخر باید به همان اندازه سعی کند که دانشجوی سال اول و شاید کمی بیشتر.

این مسئله بسیار مهم و لازم است که در برابر مشتریان خود باید اعتماد و اعتبار بسیاری کسب کنید. این که چه کاری انجام میدهید اهمیتی ندارد هرچه باشد آن را به بهترین شکل و کیفیت به انجام برسانید. این کلید پیروزی است.

من از جوانان امروز میخواهم که همواره نو آور باشند نه این که در پی سیلی خروشان راهی شده و خلاقیت خود را در حد رفع تکلیف متوقف کنند. مسیری درست برای خود برگزینید توانمندی های خود را پیدا کنید خلاقیت های پنهان خود را بیابید و تمام آن ها را تقدیم پیشرفت جامعه تان کنید. تنها به لطف مشکلات رنج ها و سعی های امروز ماست که فردایی روشن پیش روی خود خواهیم داشت. اگر شما کسب علم میکنید یا هر گونه که زندگی می کنید کوشش و عزم خود را در حد انجام وظیفه و رفع تکلیف به هدر ندهید.

هر فرد مالک توانمندی های بی پایانی است تنها فرقی که میان یک انسان عادی و یک ساحر وجود دارد این است که فرد ساحر قوای پنهان خود را با ممارست و رنج بسیار به کار گرفته و در کار های محیر العقولی که انجام میدهد ماهر شده است. مهارت ها و هنر ها به طور اتفاقی به دست نمی آیند آن ها پیامد آرام یک کار مشخص هستند.

همواره تلاش کنید تا یک متخصص باشید. علیرقم تخصصی که دارید باید از مسایل مختلف و وسیعی آگاهی داشته باشید. منظور از این که میگویند ما تحصیل کرده و دانا هستیم این است که ما از فهم و دانش و حس برتری برخورداریم.

اقتدار زمانی به دست می آید که شما یک فرد متخصص باشید و فردیت و مقام هنگامی بروز میکند که شما تنها کسی باشید که بتوانید یک کار معین را انجام دهید. امتیاز و برتری امروزه کاری تخصصی است.

چرا ادیبان و نویسندگان مانند داستایوسکی کامو و کافکا هنوز در ذهن ها مانده اند؟ چون آن ها در ادبیات متخصص بودند که سایرین به آن قله نرسیده اند. این ها دست به کار هایی زده اند که دیگران در آن زمان قادر نبودند و یا مایل نبودند انجام دهند. پس سعی کنید که یک متبحر متخصص و یک ساحر شوید و در هر رشته های که وارد می شوید بکوشید تا برترین باشید. اگر میخواهید در شغل خود بالاترین باشید خود را در آن غرق کنید.

خلاقیت ایده ای نو و اختراعات سهم بسیاری در تاریخ بشریت دارد. این نوآوری ها با همت تصمیم و عزم یک انسان خلاق آغاز می شود که تلاش میکند با زیر و رو کردن اندیشه های ساده و قابل لمس طرح تازه ای شکل دهد. من همیشه تاکید دارم که نو آور بودن برای افراد بسیار مهم است چون اشخاص نو آور مبدع و پر تلاش به تاریخ بقا و به جهان مسیر می دهند. بالندگی در نوآوری با کندوکاو و بررسی اوضاع حال آغاز می شود:

- آیا من تمام تلاش خود را کرده ام؟

- آیا موقعیت فعلی ایده آل است؟

- آیا شیوه ی بهتری می شود یافت؟

... -

چنین پرسش هایی خلاقیت های پنهان و مخفی شما را بیدار می کند و به جنبش می آورد و هر چه بیشتر کنکاش کنید پیامد های بهتری به دست خواهد آمد.

وقتی شما به موضوعی از منظری تازه می نگرید نسبت به وسعت آن آگاهی می یابید و این دیدگاه باید شما را در مسیر پیشرفت و بالندگی سوق دهد و این در جوانان که کمتر اسیر قید و بند ها هستند و برای ابداع و خلاقیت آمادگی دارند مشهود است.

خلاقیت آن نیست که تنها در صنعت و بازرگانی مورد استفاده باشد حتی میتوان در تحصیلات و زندگی روزمره هم از آن بهره مند شد. اگر شما در مدرسه درسی را برگزیدید که برایتان خوشایند نیست حتما مشکل اصلی خود درس نیست بلکه ایراد در شیوه ی برخورد شما با آن است. هر مشکلی که با آن مواجه می شوید قطعاً راه حلی برای آن وجود دارد. فهمیدن و درک کامل یک نکته مهم با پشتکار و استوار بودن آغاز می شود.

کیفیت زندگی شما متأثر از افرادی است که با آن ها دیدار می کنید. بنابراین برای جوانانی مانند شما که در پی معنای حقیقی زندگی هستید دوستان و همراهان شما بسیار مهم هستند. در ایام جوانی کسانی که با شما معاشرت دارند میتوانند تا فردای شما را بیافرینند. پس برای شما با اهمیت است که با افراد مثبتی معاشرت کنید باید کسانی را که مورد احترام شما هستند و در زندگی شان مسیر درستی را طی کرده اند الگوی خود قرار دهید.

شاید یکی از عللی که تصاویر چنین اشخاصی را در آلبوم شخصی یا بر دیوار منزل و محیط کارمان قرار می دهیم همین نکته باشد. شما خودتان به قضاوت پردازید و تفاوت زندگی و آینده فردی را که دنباله رو یک فیلسوف منفی نگر مانند شوپنهاور می باشد و آینده فرد دیگری که دنباله رو اشخاصی مانند گاندی 'لینکلن و بودا که تمام وجودشان سرشار از عشق 'آزادی' میهن پرستی و ارزش های دیگر است ببینید. به همین دلایل اهمیت دارد که شما با افراد صالح و نیکو خالصی معاشرت داشته باشید و مسیر آن ها را پی بگیرید.

هر اندازه انسان به بی اعتباری و بی ارزشی دنیای مادیات پی ببرد در آن صورت برای ادامه ی زندگی محتاج به یک رشته اعتقادات قوی و ثابت و غیر قابل تغییر است. فقط مذهب است که چنین اصول ارزشمند و مستحکمی را به انسان عطا میکند.

در زندگی چه چیزی با اهمیت تر از این است که همیشه هم صحبت و دوست افراد لایق و خوب و دلسوز باشید؟ این موضوع نشانگر اهمیت برگزیدن دوستان خوب می باشد چرا که مصاحب خوب یک نعمت است و دوست بد نکت. معاشران قدیمی همیشه بهترین دوستان شما خواهند بود یک دوست خوب کسی است که شما می توانید پنهان ترین اسرار زندگی خود را برای او بازگو کنید و بسیار جای افسوس خواهد داشت که شما از چنین دوستانی بی بهره باشید. در بازی زندگی شما اتفاقات بسایری در مقابل خواهید داشت که باید برای آن ها بیاندیشید. یافتن دوستان شایسته یکی از آن هاست.

افرادی که در مسیر زندگی شما قرار میگیرند 'میتوانند سهم مهمی را در زندگی و آینده شما داشته باشند' آن هایی را که شما در آغاز جوانی برای دوستی با خود بر می گزینید میتوانند راهنمای شما در این راه بوده و حتی جهت آن را تغییر دهند.

جهان امروز مملو از خواستنی های ارزشمند است: کار 'منزل' زمین' پول و غیره. اما گرانبهاترین آن ها وقت سات. وقت مانند تیری است که اگر اگر از کمان خارج شود' بازگشتی برای او نخواهد بود. گذشت زمان موجب دگرگونی و تغییر در همه چیز است. هیچ گاه نمیتوان زمان را به بند کشید. یکی از ویژگی های جوانان این است که به سهولت وقت را از یاد می برند. جوانی زمانی است که شما فرصت بسیاری در مقابل دارید' بنابراین شاید تصور کنید که هدر دادن کمی از آن اشتباه زیادی نیست. اما ابد این طور نیست. به هدر دادن زمان حتی از هدر دادن پول تاسف بارتر است' چون شما همیشه برای کسب ثروت توانا خواهید بود اما زمان هرگز به عقب باز نمی گردد.

یک شبانه روز برای همه به طور مساوی دارای بیست و چهار ساعت است' اما تفاوت در آن جاست که شما چگونه از این وقت به نفع خود بهره ببرید. اگر فردی در طی یک روز سه برابر دیگران تلاش و مطالعه کند' در نتیجه سه روز جلوتر از دیگران خواهد بود.

در هر حال عمر انسان بسیار با ارزش تر از آن است که به پوچی بر باد رود. این نه در توانایی شماست که زمان از دست رفته ی زندگی را باز گردانید و نه قادر هستید عمر دوباره بیافرینید. شما باید در جوانی آگاه باشید که به چه صورت از زمان و اوقات خود سود ببرید. اگر شما مطابق شهر کهن کره ای که میگوید: تا جوانید خوش باشید' خوش باشید و لذت ببرید' چون در پیری نمیتوانید. ایام خود را با بی هدفی و لابلای گری سپری کنید' در میانسالی و بزرگسالی بسیار افسوس خواهید خورد.

شما باید نسبت به حرفه ی خود یک دید حرفه ای داشته باشید.

اگر از خار گل بترسید' پس هیچ گاه پیروز نخواهید شد. موفقیت و کامرانی برای آن هایی است که از جدال با خار های برنده و تیز هراسی ندارند. رنج ها خود به وجود آورنده ی موقعیت های خوب زندگی هستند. کامیابی های خوب زندگی همیشه از عمق دشواری ها و مشقات جوانه می زنند.

وقت مناسب برای تلاش شما زمانی است که همه دست از سعی و تلاش کشیده اند و کمی ناامید بنظر می رسند. شما جوان هستی' بنابراین چنانچه بیشترین سعی و تلاش را در راه رسیدن به آمال خود انجام دهید' پس محقق هستید که گاهی شکست بخورید' اما اگر همیشه همان انتظاری که از شما می رود برآورده سازید' شاید اضطراب و نگرانی نداشته باشید' اما در عین حال هرگز هم به کامیابی های بالایی نخواهید رسید.

شما باید دارای ارزش های قوی و بنیادین باشید' یعنی اهداف و تفکراتی متعالی و در همان حال برای پذیرا شدن از هیجانات و تحولات مهیا باشید.

عرق ریختن در طول کار بسیار ارزشمندتر از عرق کردن در مکان های ورزشی است. تلاش و کار شدید راز تندرستی است.

غذای خوب 'بهترین داروی پیشگیری است. این یک مثل قدیمی است و به اعتقادش اگر در مورد غذا ها بهانه گیر نبوده و تغذیه ی خوبی داشته باشید' در آن و صورت برای بهبود بیماری احتیاجی به دارو و گیاهان دارویی نخواهید داشت.

در مورد ناپلئون گفته می شود که او هشت دقیقه برای ناهار و دوازده دقیقه برای شام وقت می گذاشت و این مؤید این نکته است که در طی تاریخ هم دیگر افراد پر مشغله' زمان زیادی را برای خوردن غذا در نظر نمیگرفتند.

شما باید آن قدر در درس و مطالعه غوطه ور شوید که دیگران به شما القاب مختلفی بدهند.

شما اگر کار و تحصیل را یک امر مازاد بدانید' کم کم هر دو مانند وزنه ای بر شانه ی شما فشار وارد خواهند کرد' اما اگر کار و تحصیل را تفریح بدانید انجام آن بسیار دلچسب تر و ساده تر خواهد بود و شما با تمام وجود آن را انجام خواهید داد و بالاخره توان و خلاقیت شما بیشتر خواهد شد و چون هر اندازه قدرت و خلاقیت شما فزونی یابد' نتایج بهتر و عالی تری نصیب شما می شود.

کافیست که این سخنان را یک بار آزمایش کنید. برای به دست آوردن موفقیت ها اگر غیر از این مسیر بروید' مانند این است که در فکر به چنگ آوردن ستاره ای از آسمان باشید' اما اگر با تمام وجود در کاری غوطه ور شوید و از آن خرسند باشید' هیچگاه طعم شکست را نخواهید چشید.

چیزی در زندگی مفت به چنگ نمی آید و هیچ اتفاقی از روی تصادف نیست' هرچه بیشتر بیل بزنید' حفره عمیق تری حاصل می شود و هرچه حفره عمیق تر باشد' آب چاه فراوان تری خواهید داشت.

اگر علاقمند هستید به آرزوهای حقیقی خود برسید' باید به وسیله نیروی ذهنی خود' اعتماد به نفس و خودباوری را تقویت کنید. شما با اندیشیدن می توانید آینده خود را بسازید. چنان چه در مقابل دیگران احساس حقارت میکنید به این دلیل است که ذهنیات شما منفی است و خود را دست کم میگیرید که به تدریج این صفات در وجود شما حک شده و مرکز تمام این خصلت ها خواهید شد.

برای پیروزی در هر کاری باید قدرت انجام آن را داشته باشیم' اما توانمندی و لیاقت به تنهایی کامل نیستند و در کنار آن باید پافشاری و استقامت و متمرکز بودن ذهن هم وجود داشته باشد. او مجموعه ی این سه خصیصه را سرسختی نام نهاد و گفت تلاش و فعالیت در هر حال سختی ها و عدم موفقیت را به همراه دارد. سرسختی یعنی قدرت رویارویی با دشواری ها و یا پس نکشیدن در هنگام شکست. حتی کار های بسیار خلاق شما هم ممکن است با ناکامی و شکست مواجه شود' اما نکته اصلی این است که شما باید پابرجا باشید. هیچ چیز ناممکن نیست' فقط خالی بودن شما از سرسختی هرکاری را ناممکن جلوه میدهد.

انسان های بدبین و سطحی نگر و آن هایی که به آسانی تسلیم اوضاع می شوند' هیچگاه موفقیتی کسب نخواهند کرد و درهای زندگی به روی آن ها بسته خواهد ماند. این افراد با این که صاحب توانمندی های لازم برای بالندگی در فعالیت های خود هستند' بی توجه به این موضوع' روش پیش پافتاده و ساده زندگی را برمیگزینند.

از یاد نبرید که آن چه امروز مال ماست، روزی ناممکن انگاشته می شد.

اگر جزو افرادی هستید که علاقمندید از برترین ها باشید، باید نهایت کوشش خود را برای نیل به اهداف تان انجام بدهید. اگر شما از حداکثر تلاش خود بهره ببرید، هرچند ممکن است همواره جزو برترین ها نباشید، اما به یقین تنها یک گام با برترین ها فاصله خواهید داشت. از طرف دیگر اگر فکر می کنید توانایی انجام کاری را ندارید و این قدرت را در خود نمی بینید، در این صورت هیچگاه در کاری پیروزی نخواهید شد.

من میپذیرم که کار های شما مهم است، اما مهمتر از آن چگونگی مواجهه شما با خود کار است. شیوه ی برخورد شما باید به گونه ای باشد که به هر کاری دست می زنید به نوک قله برسید. اگر بخواهید مرد سیاست یا تاجر یا نقاش و یا هنرمند و یا هر چیز دیگری شوید، تلاش کنید در حرفه ی خود بالاترین باشید. فردی نباشید که تنها برای انجام وظیفه سعی و کوشش می کند.

توصیه من به شما جوانان این است که بکوشید در هر کاری به بالاترین درجه برسید. حتی در اندیشه تان هم تصور نکنید که کسی غیر از شما در اوج جای خواهد گرفت.

شما نیازمند بینشی وسیع هستید و در عین حال باید ارزش هایی را که شایسته مقام و اهداف نوین شما در دنیاست دارا باشید. در نخستین گام رو به فردا بنگرید. کسانی هستند که افکارشان رو به گذشته هاست و تمام سخنان خود را با این واژه ها شروع میکنند: پیش از این من اینطور و آن طور بودم. این گروه از افراد به واسطه گذشته ها کور شده و فاقد هر نوع تصویری از آینده می باشند.

شما باید برای فردا های عالی تر، امروز ایثار کنید. کوتاه بینی را فراموش کنید و از روی جهل و بی خبری منافع طولانی مدت را به خاطر فواید لحظه ای به هدر ندهید.

هر اندازه که به بالای کوه می رسید، چشم انداز وسیعتری می بینید. یک قورباغه در عمق یک گودال هیچ تصویری از وسعت دنیای بیرون ندارد. دیدن جهان پهناور، دیدگاه شما را گسترش داده و به شما کمک می کند تا بر خود خواهی و کوتاه بینی چیره شوید.

دیدگاه وسیعی از جهان داشته باشید. با این چشم انداز به طرف فرداها گام بردارید و حرکت کنید. در دوران گذشته و زمان حال فرو نروید و خود را در دیوار های جغرافیایی مملکت خود محصور نکنید. فردا و دنیای فردا ها هر دو از برای شماست.

از بدو جوانی برخورد درستی نسبت به پول داشته باشید. یک انسان آگاه کاملاً واقف است که به چه طریق باید از پول و زمانش معقول بهره مند گردد. شما نباید حتی ذره ای از پول و یا وقت خود را تلف کنید. اگر چه پول به تنهایی نه خوب و نه بد است، بلکه شیوه ی بهره گیری از آن نقش پول را تعیین می کند. پول می بایست در آن جا که باید صرف شود تا سودمند باشد. بهره مندی از پول در جهت کسب علم، معالجه و یا برای فردی که نیاز مالی دارد معقول است و اصلاً لازم نیست که شما در این موارد خساست به خرج دهید. تنها چیزی که نیاز است این است که از خود بپرسید آیا پول برا شما و یا دیگران صحیح خرج میشود یا خیر؟

با عنایت به این موضوعات حتی سکه ای از پول خود را به هدر ندهید. پول را با سهولت خرج نکنید مثلاً چیزی را که اصلاً احتیاج به داشتن آن ندارید خریدارید نکنید. برخی از اشخاص وسایلی را تنها به صرف ارزانی آن و نه اینکه به آن احتیاج دارند میخرند و یا بدون دقت به قیمت آن تنها از روی چشم و هم چشمی خریداری می کنند که به عقیده ی من بسیار احمقانه است.

راه درست این است که از آنچه که امروز صاحب آن هستید کمی برای فردا کنار بگذارید.

در حیات هر کسی تجربیات برترین استاد هر فرد است.

در ایام جوانی تا جای ممکن در به دست آوردن تجربه های بسیار و وسیع بکوشید تا وجودتان عمق و ابعاد وسیع تری پیدا کند. از این راه شما به اسرار پنهان زندگی دست خواهید یافت. چیزی را در زندگی تجربه کنید به غیر از مواردی که از لحاظ اخلاقی مورد تایید نیستند.

با جدیت ورزش کنید برای کسب علم به سختی بکوشید و تا حدی که قادرید با دیگران دوست باشید و حتی عاشق شوید. زمین را بیل بزنید رانندگی بیاموزید به کوه بروید زیرا یک بار تجربه کردن بهتر از هیچ گاه تجربه نکردن است. قبل از صحبت راجه به عمق یک مطلب باید موضوع را کامل تجربه کنید. قبل از این که چیزی را نکته به نکته فرا گیرید باید آن را تجربه کنید چرا که تجربه بزرگترین معلم انسان است.

هر زمان مجال یافتید به مسافرت بروید و با افق های گوناگون و جدیدی مواجه شوید. تنها برای تفریح به سفر نروید اگر در هر سفر نکته ی جدیدی نیاموزید سفرتان بسیار پوچ خواهد بود. در طول سفرهایتان نکته سنج باشید و به هر موضوعی با دقت بنگرید. نظر سطحی کافی نیست. تفاوت مکان های مختلف را با هم بسنجید و از ویژگی های هر مکان با خبر شوید. به باطن هر چیز بیشتر از ظاهر آن دقت کنید. دقت نظر و کنجکاوی باید یکی از توشه های مهم سفر شما باشد. هیچ جایی در جهان نیست که ارزش دیدن نداشته باشد اگرچه سفر به برخی از نقاط دنیا مناسب تر و موثرتر است. برای مثال سفر به ممالک و جوامع فرهنگی پربار و نقاط کهن و تاریخی در صدر قرار دارند.

دوستان متعدد و متفاوت داشته باشید. رفیق شفیق به قدر سفر مهم است. دوستان مختلف در ایام تحصیل بسیار پرمفعت و اثر گذارند. داشتن ارتباط های مختلف در جامعه می تواند کمک بسیاری به شما برساند زیرا هرگز نمی دانید که در آینده چه کسانی دوست شما خواهند بود. پس سعی کنید تا دوستان زیاد و دشمنان کمی داشته باشید. در تمام طول زندگی این مسئله را از خاطر نبرید. عمق دوستی های حقیقی را قربانی تعداد دوستان نکنید. صدها دوستی بدون داشتن یک دوست حقیقی بی اثر است. ممکن است اطرافیان در زمان نیاز به انسان پشت ککند اما یک دوست واقعی هرگز زمان احتیاج از دوست روی بر نمی گرداند.

در انجام هرکاری عزم خود را جزم کنید. اگر به پیرامون خود با دقت بنگرید پی خواهید برد هر چیزی در اطراف شما حکم معلم را دارد. اگر مصمم هستید میتوانید در هر نقطه ای که قرار دارید مبدع باشید.

در همه حال یک کتاب با خود به همراه داشته باشید زیرا کتاب به مفهوم تجربیات غیرمستقیم زندگی است زیرا طول عمر معمول یک فرد برای کسب تمام تجارب او کفایت نمی کند بنابراین ما می توانیم به طور وسیع از تجربیات دیگران یعنی کتاب سود ببریم.

باید برای مطالعه کتاب همان گونه رفتار کنیم که قصد یافتن دوست جدیدی داریم یعنی متنوع و گسترده باشد. همان طور که دوستان خوبی دارید یعنی متنوع و گسترده باشد. همان طور که دوستان خوبی دارید کتب پربار و سودمندی بخوانید. پس اطمینان یابید که مطالعه ی شما عمیق و با دقت کافی است. هر کتابی را به همان شیوه ای که به یک دوست خوب ارزش می دهید مطالعه کنید. همیشه کتاب مناسب و خوبی برای خواندن و کسب تجربه در ایام بیکاری و فراغت با خود داشته باشید.

اگر همیشه منافع فردی خود را در نظر بگیرید و از یاری رساندن به دیگران دوری کنید شاید برای زمان کمی موفق باشید اما در طولانی مدت نتیجه ی کردار خودخواهانه ی خود را خواهید دید. اگر در ارتباطات انسانی فقط منافع خود را مد نظر قرار دهید موقعیت پرخطری برای خود ایجاد می کنید. شما باید مطابق اصول منافع جمعی عمل کنید. اگر کسی در معامله به قیمت متضرر شدن دیگران همه منافع را از آن خود بداند در این صورت این گونه روابط دوام بسیاری نخواهد داشت.

ارتباط صحیح و درست از مهمترین نکات زندگی است. همانگونه که می توان فرد را از دوستان او شناخت به همان نسبت شما هم می توانید درباره ی افراد از روی ارتباطاتشان با دیگران قضاوت کنید. پس شما باید بکوشید با اشخاص مناسب عهد دوستی ببندید.

اگر با اشخاص سطح عالی دوست شوید بدون این که خود پی ببرید مسیر و طریق آنان را پیروی خواهید کرد و چنان چه با افراد سطح پایین مراد داشته باشید از شیوه و راه آنان تبعیت خواهید کرد. ارتباط با اشخاص سطح بالا در زندگی سودمند است حتی با ارزشتر از پول زیرا روابط خوب و مهربانانه پول قابل معامله نیست.

اما روابط انسانی به همان اندازه مهم است مبهم و دشوار می باشد. یکی از نکات اساسی در روابط بشری اعتماد است. البته اعتماد چیزی است که با گذشت زمان حاصل می شود و شما باید برای به دست آوردن آن شکیبایی و حوصله بسیاری داشته باشید.

از آن جا که کار ها توسط افراد انجام میگیرد بنابراین موضوع کارکنان را نباید هیچ گاه نادیده گرفت. کارکنان یک شرکت می توانند موجب صعود و یا نزول شرکت گردند پس بسیار مهم است که با اشخاص والاتر طرح دوستی ببندید. به دیگران یاری برسانید و اطمینان داشته باشید که یک روز پاسخ نیک اندیشی خود را خواهید دید.

مهم نیست چه کاری باید انجام بشود مهم این است که کار به وسیله ی چه کسی که استعداد دارد انجام شود. این که کودکی را در زمینه موسیقی استعداد دارد به مهندس شدن وادار کنید یک عمل پوچ و بی معنی است.

در معاملات باید طرف مقابل هم به اندازه ی ما از این پروژه های مشترک نفع ببرند زیرا به این شیوه ی ما ارتباطات پر سود 'مشترک و طولانی مدت به وجود خواهیم آورد. بنابراین بسیار مهم است که به دیگران و سایر شرکت ها تفهیم کنیم معامله با ما به سود آن هاست.

شما باید برای منفعت دو جانبه تلاش کنید. اصل احترام دوطرفه و عمل متقابل نه تنها در ارتباطات بازرگانی بلکه در روابط انسانی هم بسیار مهم و بجاست. وقتی که مردم نسبت به هم مضمون شوند با هم کنار نمی آیند. و وقتی با هم توافق نداشته باشند به یکدیگر بدبین می شوند.

شما جوانان باید این را در نظر داشته باشید که به تنهایی نمیتوانید زندگی کنید. انسان برای ادامه ی حیات نیازمند دیگران است و وجود او تنها در ارتباط با دیگران قابل پذیرش است. آرزو میکنم هرگز بر باتلاق تکبر و خودبینی گرفتار نشوید و از افرادی باشید که به یک دیگر اعتقاد و اعتماد داشته و همیشه به یاد دیگران باشید. تنها در این صورت بنیانگذار جهانی شکوهمند و زیبا می شوید زیرا انسان خودبین همیشه تنها می ماند.

اگر شما هم به همین شیوه جرات رویارویی با ناکامی را دارید در مسیر موفقیت نهایی قدم برمیدارید. فردی که از ناکامی و جدال می هراسد هرگز طعم پیروزی را نمی چشد.

خارج از اینجا جهان پهناوری منتظر شماست و امور بسیاری است که باید به انجام برسد. شما باید در پی فضاهای جدیدی باشید که پیش از این کسی در آن قدم نگذاشته و کاری را انجام دهید که کسی تا به حال انجام نداده است.

تا زمانی که جوان هستید یک پیشگام باقی بمانید. جهان به اندازه ای کوچک شده که آن را (دهکده جهانی) می نامند. کره ی زمین اگرچه سرشار از انسان های مشغول به کار است اما هنوز کار های زیادی به جا مانده که تا به حال هیچکس آن را انجام نداده است. به مخلوقات بیاندیشید و ایده های شکوهمندی در سر پرورانید و از شکست نهراسید. همیشه در طول تاریخ پیشی گیرنده گان تنها بوده اند. شما خود پیشرو برای فردای خود باشید این حقیقت زیستن است.

مجال کسب علم را از دست ندهید. تا دانشی نداشته باشید به جایی نخواهید رسید.

در کسب علم بکوشید و در گرایش های گوناگون دانش را فراگیرید.

توانایی در دانایی است.

دانش خود را حفظ کنید.

علم خود را با دیگران قسمت کنید.

ثروتمندان حقیقی افرادی هستند که سخاوت بسیاری دارند. یعنی افرادی که بخشنده بودن را میفهمند.

ارزش هایی وجود دارد که هیچگاه نباید از کف داد. گرانقدر ترین این ارزش ها آبرو و اعتبار انسان است. هرگز نباید اعتبار خود را در جامعه از کف بدهید و باید آن را در هر حال مانند زندگیتان حفظ کرده و گران قدر بشمارید. هر فرد در اجتماع صاحب نام و آوازه ای است. آبروی فرد از او جدا نیست بلکه بخشی از هویت او را تشکیل می دهد.

اگر نام کسی بر زبان آورده شود شما سریعاً در مورد او می اندیشید و چهره ' صدا' شخصیت' جایگاه اجتماع' سابقه و شاید نقاط ضعف و قوت او را به ذهن می آورید. پس پی میبریم که تا چه اندازه اسم فرد مهم است و در نتیجه شما باید نهایت تلاش خود را در حفظ نام خود انجام دهید و اجازه ندهید نام شما سبب سرافکنده گی و خجالت شود. اگر یک روز نیک نامی خود را از دست بدهید' بازیافتن آن بسیار دشوار است.

اشخاص عموماً حتی از کسب جوایز کوچک شادمان می شوند و طبیعتاً از شنیدن تعریف و تحسین هم سرخوش می شوند. به دلیل افتخاری که کسب جایزه به همراه دارد. فرد بعد از دریافت آن روحیه ی تازه ای برای سعی و تلاش بیشتر میگیرد. شما میتوانید با اعطای جایزه ' راه کلی زندگی کسی را دگرگون کنید.

اگر چیزی در جا و فضای خود قرار نداشته باشد' هرج و مرج و پریشانی به وجود می آید. نظم و ترتیب و آسایش وقتی در جامعه ایجاد می شود که هرچیز و هرکس در جای درست خود قرار داشته باشد. چشمان ' بینی و دهان شما در جای درست خود قرار دارند. زیرا این صورت عادی اجزای بدن شماست. و اندام ها با هم هماهنگی کامل دارند.

در شرکت ها و ادارات گماشتن افراد در پست ها و سمت های صحیح ' یکی از اصلی ترین وظایف عمومی یک شرکت میباشد. هرکار و یا شغلی به خودی خود' خوب یا بد نمی شود. بلکه هنگامی خوب است که افراد متبهر آن را در اختیار بگیرند و زمانی که به دست افراد نا لایق قرار گیرد ' ناخوشایند است.

گزینش کارتان نباید از روی میل و هوس باشد' و یا اینکه نیازی به آن در شرکت احساس نشود و از این تاسف بارتز اینک کسی نباشید که بدون شایستگی بر یک پست تکیه بزنید. تمام افراد در حال تحصیل باید تمرکز خود را بر مطالعه و درس خود معطوف نمایند تا به اشخاص تاثیر گذاری در جامعه تبدیل شوند.

مال اندوزی به تنهایی پایه یک زندگی ایده آل را تشکیل نمی دهد. شاید جمع آوری پول راه ثروتمند شدن باشد. اما این کار لزوماً به مفهوم داشتن یک زندگی خوب و خوشایند نیست. چگونگی ثروت بیشتر از خود آن ارزشمند است. و شیرینی انجام وظایف ارجح تر از سود مادی آن است.

هویت یک شرکت یا موسسه نباید فقط برای کسب منافع مادی و بدون در نظر گرفتن معنویات باشد. لذت اصلی زندگی را نمی شود در مال اندوزی پیدا کرد. تنها توفیق بشریت پیروزی های اوست. که تا ابد برجا میماند.

ما نباید به اعداد و ارقام دل ببندیم' چون اعداد فقط بیانگر ظواهر است. به عنوان مثال اگر صد خوک و یک انسان داشته باشیم' اعداد بیانگر عدد صد در برابر عدد یک است. پس اعداد هم میتوانند موجب فریب ما باشند. اگر در هر جامعه رهبران متعهد نسبت به وظایف خود باشند و خود را به طور کامل در خدمت دیگران قرار

دهند'جامعه آن ها هیچ نوع انحطاط و عقب ماندگی نخواهد داشت. اشخاص برای رشد و تعالی خواهان رهبران مسئول و نوآوراند. شما باید انسان خلاق شوید.

قشر جوان بنیانگذار جهان فرداست. او با روح ماجراجویی خود به فردا ها صورت می بخشد. جوانان گذشته ای ندارند' همیشه به آینده می اندیشند و دیدگاهشان رو به فردا و روشن است' زیرا چیزی ندارند که از دست بدهند. پس به نگرانی و دلهره هم دچار نمی شوند. اگر جوانی روحیه ی ماجراجویی خود را تنها برای ثبات زندگی اش از دست بدهد و یا از جدال و یا تغییرات در وضع زندگی اش گریزان باشد' در واقع جوانی را به هدر داده است. آن ها باید جوانی امروز خود را برای تولد و ایجاد فردای درخشان سرمایه گذاری کنند. آن ها باید سخت کوش و پرتلاش به کسب علم هم بپردازند.

چنانچه به یک هدف خود رسیده اید باید اهداف والاتر و وسیعتری مقابل خود قرار دهید. همیشه باید فکر کنید هنوز به هدف واقعی و نهایی خود نرسیده اید. شما هرگز نباید از کوشش خود بکاهید' زیرا کار موجب می شود تا رشد کنید و در زندگی پیشرفت داشته باشید.

به یاد داشته باشید تن آسایی در جوانی سبب شکست می شود. حفظ تعادل و میانه روی وسوسه هایی است که باید از آن ها دوری کنید. و باید افکار خود را به گونه ای نظم دهید که هنوز به مقصد نهایی خود نرسیده اید.

یکی دیگر از بدترین کار ها این است که همیشه خود را در کنار مسائل قرار دهیم. اگر عذر و بهانه های زیادی برای خود می آورید و احساس مالکیت نسبت به کارتان ندارید' در این صورت به راحتی به یک بیننده ی بی تفاوت و یا یک تماشاگر تبدیل می شوید.

صاحب زمین مانند زارع یک تماشاگر نیست' بلکه کسی است که دست به عمل می زند' پس همه ما باید این اندیشه را در خود تقویت کنیم. شما باید تصور کنید تنها فردی هستید که می توانید کارتان را انجام دهید و شما ابزار و لوازم کار خود را تشکیل می دهید.

ادیسون بری هر اختراع خود' برخی مواقع تا دویست مرتبه یا حتی بیشتر آزمایش می کرد. او با جدیت بسیار نبوغ نهانی خود را رشد داده و آن را بیدار کرد و در آخر به یک نابغه تبدیل شد. خود باوری بسیار مهم است' هر کسی ممکن است مقدار چشمگیری پول به دست بیاورد و بسیار هم مقتدر باشد' اما پول و قدرت جزء فرعیات انسان و برای استفاده اوست و نباید پس از کسب پول و قدرت تنبلی را در پیش بگیرد.

شما باید همواره بر تعالی و ترقی خود نظارت داشته باشید و با تمام نیرو سعی کنید انسانی هوشمندتر و زرننگ تر شوید. باید نسبت به دیگران سخاوتمند و نسبت به خود سخت گیر باشید. مراقب باشید که در تله ی عذر و بهانه و توجیح کردن اسیر نشوید. شما بدون چیره گی بر خود نمی توانید فاتح دیگران باشید.

جوانانی که ساعات متمادی مشغول تماشای تلویزیون و دیدن مجلات رنگارنگ میشوند' در نهایت به جایی میرسند که از فکر کردن هم متنفر می شوند. تنها جوانانی که مدام در راه علم و شکوفایی استعداد های خود میکوشند ' در زندگی پیشرفت خواهند داشت. نسبت به خود سخت بگیرید. هرگز فکر نکنید به هدف نهایی خود

رسیده اید و از کار هایتان بسیار راضی هستید. زندگی را با قدرت زیادی به جلو ببرید اگر حرکتی نداشته باشید از کار افتاده و ناتوان می شوید.

این طرز فکر که (در حال حاضر وارد میدان شویم ' ببینیم بعدا چه می شود) موجب زوال و تباهی شما خواهد شد. بنابراین به جلو بروید و استعداد پنهان خود را بیابید و بیدار کنید.

به دست آوردن پول مهم است. اما بهره گیری از آن هم مهمتر است. از طرف دیگر پولی که آسان به دست می آید به راحتی هم از دست می رود. هیچ کس از خرج کردن پول بدون رنج و زحمت احساس پشیمانی نمیکند. زمانی که مردم شروع به ولخرجی می کنند متوقف کردن آن ها کار دشواری است. پس باید از آغاز به ارزش خرج کردن درست و پس انداز پی ببریم. هیچ چیزی ناراحت کننده تر از این نیست که فردی که همیشه از ماشین شخصی استفاده می کرده ناچار به استفاده از وسیله ی نقلیه عمومی گردد.

مصرف گرایی نه تنها خطرناک است بلکه به مرور تبدیل به یک عادت متبوع اجتماعی می شود. ملت مصرف کننده ای که بیش از درآمدش خرج می کند ' ملتی است که به پیشواز مشکلات می رود. به جای چشم و همچشمی و یا ولخرجی های بی حد و حساب دارایی خود را با فقر قسمت کنند.

به یاد داشته باشید یکی از عظیم ترین موانع پیشرفت هر جامعه زیاده روی و افراط است. علت آن است که ما بیش از هر چیزی برای حفظ تلاش می کنیم و بسیار متظاهر هستیم. برخی از افراد کم سواد تظاهر به داشتن علم و دانش می کنند و برخی پول اندکی در جیب دارند و برای تحت تاثیر قرار دادن دیگران ولخرجی می کنند. بسیاری از ما زیبایی درون را فدای ظاهر می کنیم. تصور میکنیم. برای جلب نظر دیگران باید گزافه گویی کنیم.

تعداد زیادی از ما با درون تهی و پوچ فقط با ظاهر خود چاپلوسی میکنیم. که در اصطلاح به آن درون خالی و بیرون عالی میگوییم. امیدوارم شما جوانان تابع این شیوه ی فرهنگی نباشید و زندگی خود را برای ظاهر سازی تلف نکنید. جوانی ایامی است که شما باید خود را وقف تعالی درون کنید. راه و رسم زندگی از ظواهر نشأت نمیگیرد. بلکه چیز هایی است که در اعماق شما می جوشند.

بهتر است در جوانی زمان و نیروی خود را در جهت رشد و تعالی شخصیت درونی خود صرف کنید. شما باید با رفتار خود گفت و گو کنید. و سخن و رفتار شما باید همسان باشد. گفت و گو و مذاکره قدرتمند ترین شیوه برای متقاعد کردن دیگران نیست. اگر چه حرف زدن اهمیت دارد و شما باید بتوانید بسیار خوب و صادقانه صحبت کنید. و سایرین را تحت تاثیر اندیشه هایتان قرار دهید. اما در حقیقت این اعمال شماست که دیگران را تحت تاثیر قرار می دهد. شما صادقانه عمل کنید تا دیگران به شما صادقانه اعتماد کنند.

شما باید در ایام جوانی خلاقیت خود را به حد بالایی ببرورانید و تا حد امکان علم و دانش کسب کنید. برای موفقیت در زندگی نیازمند فرهنگ پر بار ' دید وسیع و پاک و رشد تخصص ها و مهارت هستید. جوانی بسیار زود به پایان می رسد. آن را از روی جهالت و غفلت و برای ظواهر از کف ندهید. در ایام پیری برای هر ثانیه اش که در جوانی به باد داده این متاسف خواهید بود. شما باید قابلیت های خود را گسترش بدهید نه برای این که به موفقیت های بیشتری دست پیدا کنید بلکه برای اینکه در زندگی از سایرین عقب نمانید.